



هلال بن أمیه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم همسرش را متهم نمود که با شریک بن سحماء زنا کرده است. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «گواه بیاور یا حد قذف در پشتت جاری می شود».

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که می گوید: هلال بن أمیه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم همسرش را متهم نمود که با شریک بن سحماء زنا کرده است. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الْبَيِّنَةُ أَوْ حَدٌّ فِي ظَهْرِكَ»: «گواه بیاور یا حد قذف در پشتت جاری می شود». هلال گفت: ای رسول خدا، اگر یکی از ما مردی را روی همسرش دید، برود و گواه پیدا کند؟! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الْبَيِّنَةُ وَإِلَّا حَدٌّ فِي ظَهْرِكَ»: «گواه بیاور یا حد قذف در پشتت جاری می شود». هلال گفت: سوگند به ذاتی که تو را به حق فرستاده است، راست می گویم. خداوند حکمی را نازل خواهد فرمود که پشتت را از شلاق نجات دهد. سپس جبریل آمد و این آیه را بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل کرد: «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ أَرْوَاجَهُمْ» [نور: 6] تا «إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» [نور: 9] [یعنی کسانی که همسران خود را متهم به زنا می کنند و جز خود گواهی دیگری ندارند، هریک از آنان چهار مرتبه الله را گواه بگیرد که راست می گوید. و مرد برای پنجمین بار بگوید: لعنت الله بر من باد اگر دروغ می گویم. زن نیز عذاب (رجم) را از خود دفع نماید به این صورت که چهار مرتبه الله را گواه بگیرد که شوهرش دروغ می گوید و بار پنجم بگوید: خشم الله بر من باد اگر شوهرم راست می گوید]. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم برگشت و فردی را به دنبال آن زن فرستاد. سپس هلال آمد و گواهی داد درحالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنَّ أَحَدَكُمَا كَاذِبٌ، فَهَلْ مِنْكُمَا تَائِبٌ؟»: «همانا الله می داند که یکی از شما دروغ می گوید؛ آیا یکی از شما توبه می کند؟». سپس آن زن برخاست و گواهی داد و هنگامی که به مرتبه ی پنجم رسید، او را متوقف کردند و گفتند: (اگر دروغ بگوید) سبب عذاب دردناک می شود. ابن عباس می گوید: آن زن خودداری کرد و درنگ نمود تا جایی که فکر کردیم از قول خود رجوع می کند. سپس گفت: قوم را برای همیشه رسوا نمی کنم و به سوگندش ادامه داد. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَبْصِرُوهَا فَإِنْ جَاءَتْ بِهِ أَكْحَلُ الْعَيْتَيْنِ، سَابِغِ الْأَيْتَيْنِ، حَدِّجِ السَّاقَيْنِ، فَهَوَّ لِشَرِيكِ ابْنِ سَحْمَاءَ»: «ببینید اگر این زن فرزندی دارای چشمان سیاه، سرینی فربه و ساق های درشت به دنیا آورد، پس از آن شریک بن سحماء است». سرانجام فرزندی با همین مشخصات به دنیا آورد که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لَوْلَا مَا مَصَّتْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لَكَانَ لِي وَلَهَا شَأْنٌ»: «اگر حکم الله قبلاً در این زمینه بیان نمی شد، بین من و او وضعیت (دیگری) وجود داشت».

[صحیح است] [متفق علیه، این لفظ بخاری است]

مضمون حدیث مذکور از این قرار است که هلال بن امیه رضی الله عنه همسرش را در حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم متهم به زنا با شریک بن سحماء رضی الله عنه می کند. اما رسول الله صلی الله علیه وسلم از وی می خواهد در مورد ادعایی که مطرح می کند گواه بیاورد که اگر چنین نکند، به خاطر اتهامی که وارد کرده حد قذف بر پشت او جاری می شود. بنابراین هلال می گوید: ای رسول خدا، اگر یکی از ما همسرش را در حال زنا دید، به دنبال گواه برود؟ و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: باید گواه باشد و اگر شاهدی در این زمینه نیابد، برای او حد قذف در پشتش خواهد بود. ابویعلی در مسندش (2824) از انس بن مالک روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این زمینه به هلال فرمود: «أُرْبَعَةُ شُهُودٍ وَإِلَّا فَحَدٌّ فِي ظَهْرِكَ»: «چهار شاهد بیاور وگرنه حد قذف در پشتت خواهد بود». ابن بار هلال می گوید: سوگند به کسی که تو را به حق مبعوث کرده است، در اتهامی که به

او وارد نمودم و در گفته ی خود صادقم؛ و در ادامه چنین دعا می کند که الله متعال حکمی را نازل می کند که پشت مرا از حد قذف نجات می دهد. این بود که جبریل نازل شد و آیات 6 تا 9 سوره ی نور را بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل کرد. سپس هلال آمد و در مورد ادعای خود گواهی داد و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «همانا الله می داند که یکی از شما دروغ می گوید. آیا یکی از شما توبه می کند؟». ظاهراً رسول الله صلی الله علیه وسلم این سخن را زمانی فرمود که هر دو از لعان فارغ شدند. و هدف از آن این بود که دروغگو باید توبه کند. و گفته شده: این سخن را قبل از لعان فرموده است؛ تا آنها را در مورد عاقبت لعان هشدار دهد. سپس همسر هلال به راستگو بودن خود گواهی می دهد تا اینکه به بار پنجم می رسد و او را متوقف می کنند و از ادامه دادن باز می دارند و تهدید می کنند و می گویند: پنجمین بار سبب عذاب دردناک می گردد و لعان با آن پایان می یابد و آثار و پیامدهای خود را خواهد داشت؛ و موجب لعن و دوری از رحمت الهی و منجر به عذاب می شود اگر دروغگو باشد. ابن عباس می گوید: این بود که زن مذکور توقف کرد و اندکی درنگ نمود و بعد از چهارمین بار سکوت کرد؛ تا جایی که گمان بردیم از دروغگو دانستن شوهرش و ادعای برائت از تهمتی که به او نسبت داده برگشته است؛ اما بعد از این درنگ و سکوت گفت: با اعراض از لعان و تصدیق شوهر، قومم را برای همیشه رسوا نمی کنم. بنابراین بار پنجم را هم ادامه داد و لعان را به پایان برد. پس از آن بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «فرزندی را که به دنیا می آورد، بررسی کنید؛ اگر چشمانی سیاه داشت - پلک های چشمانش سیاه بود مانند زمانی که سرمه کشیده می شود - و سرینش بزرگ بود و ساق هایش درشت، فرزند متولد شده از آن شریک بن سحماء است» به دلیل شباهتی که وجود دارد. و شباهت بدون لعان، قرینه ای معتبر در این زمینه می باشد. این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر حکم آن پیش از این نازل نمی شد و زن مذکور با لعان از حد و مجازات شرعی نجات نمی یافت، وضعیت دیگری بین من و او می بود». به این معنا که حد زنا را بر وی جاری می کردم. یا به این معناست که اگر قرآن به عدم اقامه ی حد بر متلاعین و عدم تعزیر حکم نمی کرد، با او کاری می کردم که عبرتی باشد برای ناظران و هشدار می باشد برای شنوندگان. و تعبیر نمودن از این مساله با عنوان «شان»، بیانگر بزرگی تصمیمی است که در مورد آن زن گرفته می شد چون گناه وی بسیار بزرگ بود. و این اولین لعان در اسلام بود که آیه ی لعان در مورد آن نازل شد.

<https://sunnah.global/hadeeth/fa/show/58242>



النَّجَاتُ الْخَيْرِيَّةُ
ALNAJAT CHARITY

